

دوره نهم

دوره شبانه جنگ شناختی

در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی



دانشگاه عالی نظامی
روابط عمومی

السلام علیکم وعلیٰ آله واولادکم الطیبین

وجوه تشابه جنگ شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی و قیام عاشورا را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد جنگ شناختی در این دو پدیده از دیدگاه‌های مختلف با هم شباهت دارند.

اشاره

انقلاب اسلامی ایران به باور و تصدیق بنیان‌گذار و رهبر آن، در امتداد قیام عاشورا و با همان اهداف و آرمان‌ها در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی دست یافت.

از آن زمان تا کنون از طرف دشمنان داخلی و بیرونی به ویژه استکبار جهانی با محوریت آمریکا، صهیونیسم بین‌الملل و نظام‌های پیرو آنان در غرب و شرق عالم و حتی جهان اسلام، زیر سخت‌ترین انواع جنگ‌ها قرار داشته است؛ با این وجود با پایداری و مقاومت نه تنها خود را تثبیت کرده است، بلکه تمدن غرب و نظام‌های استکباری را به چالش کشیده است.

بنابراین روح انقلاب، استکبارستیزی و معنویت‌گرایی ناشی از آن افزون بر منطقه غرب آسیا، در سرتاسر عالم گسترش یافته است و تمدن نوین اسلامی را هدف گذاری کرده است.

امروزه دشمنان انقلاب اسلامی از تهاجم سخت به نظام اسلامی ناامید شده‌اند و با اتخاذ شیوه‌های نرم به ویژه جنگ شناختی در پی مقابله با انقلاب اسلامی برآمده‌اند.

این نوشتار دشمنی و جنگ شناختی دشمنان علیه

۱. مفاهیم و گزاره‌های بنیادی

۱-۱. تعریف جنگ شناختی و ابزارهای آن
جنگ شناختی به استفاده از تکنیک‌ها و فناوری‌های مختلف برای تأثیرگذاری، دست‌کاری یا مختل کردن شناخت افراد یا گروه‌ها به منظور دست‌یابی به یک نتیجه دلخواه اشاره دارد.

در جنگ شناختی، ذهن انسان در جایگاه میدان اصلی جنگ هدف قرار می‌گیرد. گرچه این اصطلاح و مفهوم آن، نوظهور است، به لحاظ ماهیت پدیده جدیدی نیست و در عمق تاریخ نیز می‌توان نمودهای آن را به روشنی نشان داد.

تغییر در ساختار قدرت و حکومت معمولاً به شکل‌های مختلفی رخ می‌دهد که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این‌گونه به آن اشاره کرد:

الف) اشکال سخت: در آن میزان قابل توجهی از خشونت اتفاق می‌افتد، مانند کودتا، شورش، انقلاب، تهاجم نظامی و جنگ داخلی؛

ب) اشکال نرم: در حد امکان برای ایجاد تغییر از روش‌ها و ابزار نرم بهره می‌گیرند و به جای خشونت بر روش‌های مسالمت‌آمیز تکیه دارند، مانند اصلاحات، جنبش

السلام علیکم وعلیٰ آله واولادکم الطیبین

همین دلیل «جنگ موریانه‌ای» نیز به آن می‌گویند. از ابزارهای مهم جنگ شناختی، تسلط بر شاهراه‌ها و جریان اطلاعات جامعه است؛ چون پایه اصلی اندیشه، اطلاعات است که به صورت ضمنی و با چینش اخبار و اطلاعات، تحلیل خاص نیز به ذهن مخاطب و دستگاه تحلیلی او القا می‌شود.

شیوهٔ مقابله با آن نیز سکوت یا تلاش برای بستن کانال‌های اطلاع‌رسانی دشمن نیست، بلکه روشنگری و اقناع مخاطب با تبیین جهادگرانه است.

۱-۲. انقلاب اسلامی تداوم قیام عاشورا امام خمینی رحمته الله علیه در جایگاه معمار انقلاب اسلامی همواره بر این باور تأکید می‌فرمود: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن بوده است»؛ زیرا همان‌طور که هدف قیام امام حسین ع احیای اسلام بود، انقلاب اسلامی نیز اسلام را در قرن چهاردهم از نابودی رهانید و حیات دوباره بخشید؛ در واقع مهم این است که جنس انقلاب اسلامی و قیام عاشورا یکی است.

انقلاب اسلامی نهضتی با نسبت تأثیر کوتاه‌مدت و معطوف به جابجایی قدرت و حاکمان یا اصلاح ساختارها و نظام معیشت مردم نبود، بلکه همانند قیام عاشورا و در ادامه همان مسیر، تغییر جهت تاریخی و تحول بنیادین در جامعه، حکومت و بنای تمدنی را

اجتماعی، انقلاب رنگی، انقلاب مخملی و روش‌های مختلف جنگ نرم.

جنگ نرم در پی ازپای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن راست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند.

جنگ نرم با شیوه‌های مختلفی تحقق پیدا می‌کند که یکی از روش‌های پیچیده و کمتر محسوس برای قشر هدف، عبارت است از «جنگ شناختی» که از آن با عملیات ادراکی نیز یاد می‌شود و به دنبال تأثیرگذاری بر نگرش‌ها باورها، عقاید و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییر تا سرحد همسوس شدن آنان با اهداف و منافع عمل‌کننده است.

جنگ شناختی مؤثرترین و اثرگذارترین جنگ نرم است که هدف نهایی آن همانند جنگ سخت، ازپای درآوردن حریف است که با حمله به تفکر آدم‌ها، اعتماد جامعه به حاکمیت را از بین می‌برد و نیروهای اجتماعی و سرمایه‌های انسانی را نابود می‌کند.

با توجه به اینکه در این جنگ دشمن در پی تحت تأثیر قراردادن اندیشه افراد جامعه است، در خارج چیزی به نام جنگ محسوس نیست؛ از این رو همانند حشره‌ای است که ساختار چوب را از داخل از بین می‌برد و به

السلام علیکم وعلیٰ آله واهل بیتکم

ثروت خود می‌دید، با انقلاب اسلامی نیز احساس خطر جدی در اردوگاه استکبار جهانی به ویژه صهیونیسم پدیدار شد؛ زیرا انقلاب هرگونه سلطه نامشروع و استکبار را در هر سطحی نفی می‌کرد و با تکیه بر ارزش‌های دینی به ویژه تحت تأثیر قیام عاشورا شیوه عمل و اهداف انقلاب را ترسیم می‌کرد و انقلابی بود به نام خدا، عدالت خواهانه، اخلاقی، مقدس، شهادت طلبانه و مستقل از اردوگاه‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم؛ همچنین انقلابی که در یک برآورد و نتیجه‌گیری تاریخی، رژیم مستبد و وابسته و فاسد پهلوی را با حامیان غربی او در یک تصویر، نظام استکباری و در تداوم جریان باطلی مانند بنی امیه می‌دید که امام حسین ع در برابر آن قیام کرده بود.

۲. وجوه مشابهت جنگ شناختی بنی امیه و استکبار جهانی

مشابهت‌های جنگ شناختی را می‌توان در ابعاد ذیل بررسی کرد:

۱-۲. تغییر نگرش‌ها و باورها

یکی از محورهای مهم جنگ شناختی، تغییر باورها و نگرش‌های اجتماعی به حقایق، وقایع و امور است؛ مثلاً رسول خدا ص تلاش زیادی کردند تا مطابق آموزه‌های دینی، هویت‌های جاهلی که مبتنی بر تعصب قومی و قبیله‌ای بود را تغییر دهد؛ همچنین دخالت معیارهای سفید و سیاه، قومی و قبیله‌ای را در برتری جویی اجتماعی از بین برد و تقوا را معیار تقرب و فضیلت انسان‌ها قرار

هدف قرار داده است؛ از این رو در اوج سلطه مادی‌گرایی با دو قطب پر قدرت لیبرالیسم و سوسیالیسم بر دنیا، ظهور انقلاب اسلامی مسیر تاریخ این دوران را تغییر داد و موجب گسترش توجه به تشیع، اسلام، ادیان توحیدی و حرکت‌های ضداستکباری در دنیا شد. این تأثیر تاریخی و کلان، تابعی از تأثیر عاشورا بر کفر مسلط بنی امیه است که در اندک زمانی پس از عاشورا، کاخ ستم بنی امیه را ویران کرد و مسیر تاریخ را به سمت پیروزی نهایی حق بر باطل تغییر داد.

۳-۱. جریان کفر و استکبار جهانی، تداوم جریان باطل بنی امیه

انقلاب اسلامی ایران تنها به دنبال جابجایی قدرت نظام شاهنشاهی مستبد وابسته و دین ستیز پهلوی نبود، بلکه آرمان‌ها و اهداف آن همان طور که در قانون اساسی و بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی متبلور است، بر اساس اسلام ناب و مقابله با ظلم و بی‌عدالتی در هر سطح و مقیاس در جهان عنوان شده است.

امام خمینی ع می‌فرماید: «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن عنایت فرموده است نمی‌رسند». همان طور که آن روز جریان استکباری بنی امیه، اسلام راستین را مانع دست‌یابی به منافع دنیایی و قدرت و

السلام علیکم و آله و آباءکم و السلام

که خدا لعنت می‌کند کسانی که مقام امامت و ولایت را پایین می‌آورند، اشاره به این موضوع دارد. این موضوع در عصر حاضر نیز مصداق عینی دارد و دشمن با هدف تغییر افکار عمومی و نگرش‌های مردم با استفاده از روزنامه‌ها، سایت‌ها، فضای مجازی و حقیقی سعی در حذف مقام ولایت در جامعه اسلامی و همچنین تخریب انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن دارد.

حرکتی که در دوران پهلوی، برای تضعیف هویت اسلامی جامعه ایرانی شکل گرفته بود هم از این مقوله است و آنها به دنبال ترکیب هویت جدیدی برای ایران بودند که در کنار رواج مظاهر تجدد و مدرنیته غربی، ایجاد هویت باستان‌گرایی ایرانی در نهادهایی مثل دفتر فرح پهلوی و توسط شخصیت‌هایی مانند داریوش شایگان و احسان نراقی پیگیری می‌شد. پس از انقلاب اسلامی نیز برجسته‌سازی گرایش‌های ملی و گسل‌های قومی مانند عرب، ترک، کرد، بلوچ، ترکمن، لر و فارس که توسط دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی دنبال می‌شد، در همین رابطه است.

۲-۲. تحمیل گفتمان دلخواه بر افکار عمومی یکی از محورهای جنگ شناختی که در امتداد انحراف پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امت اسلامی رخ داد و توسط بنی‌امیه پیگیری شد، گفتمان خلافت برای جانشینی از پیامبر در مقابل گفتمان امامت بود. خلافت نزد اهل سنت، امری زمینی و بشری است و امام و خلیفه

دهند؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» و چنین هم شد. اما با قدرت یافتن بنی‌امیه، ارزش‌های جاهلی و تعصب قومی و نژادی و برتری عرب بر عجم ضربه سنگینی بر جامعه اسلامی وارد کرد.

چنانچه: امویان نسبت به خاندان و طرفدارانشان تعصب می‌ورزیدند و عناصر غیر عرب را، ولو اینکه همدست و هم‌داستان آنان بودند، تحقیر می‌کردند و برخی از عربان نیز در تحقیر دیگران از امویان پیروی می‌نمودند.

نژادگرایان اموی و پیروانشان، در تحقیر غیر عرب و کم‌بهادادن به آنها، بر خلاف شرع و سنت و سیره پیامبر اسلام عمل می‌کردند. نقل شده است پیش از آنکه عباسیان به قدرت برسند، هرگاه عربی در بازار به یک غیرعرب برخورد می‌کرد و باری با خود داشت، آن بار را به آن شخص می‌داد تا حمل کند؛ درحالی‌که غیرعرب قدرت مخالفت نداشت.

از جمله تغییر باورها، جایگاه و موقعیت ائمه بین امت اسلامی است که بنی‌امیه با اقدام‌ها و تبلیغات خود، این منصب را در عالم واقع و جامعه اسلامی از ائمه سلب کردند؛ همچنین آن را به یک مقام سیاسی همچون پادشاهی تقلیل دادند. عبارت «لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهَ دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ» در زیارت عاشورا

السلام علیکم وعلیٰ آله واولادکم الطیبین

بنی‌امیه این اندیشه را با تبلیغات حيله‌گرانه و دروغ خود به مردم باورانده بودند که هر کسی علیه حاکم وقت گرچه شخصی مثل یزید خروج کند، کافر است و باید کشته شود؛ درواقع به نوعی سوءاستفاده از عنوان «اتحاد امت» کردند. از جمله افرادی که به امام حسین علیه السلام چنین نسبت‌های ناروایی داد، نمایندگان عمرو بن سعید بن عاص (حاکم مکه) است؛ او به امام حسین علیه السلام زمانی که از مکه خارج می‌شد، گفت: «یا حسین، ألا تتقی الله! تخرج من الجماعه، و تفرق بین هذه الامه؛ آیا از خدا نمی‌ترسی که از جماعت مسلمین خارج شده و تفرقه بین امت ایجاد می‌کنی؟»

در انقلاب اسلامی نیز دشمن با جنگ شناختی به دنبال تحمیل گفتمان‌هایی است که جامعه اسلامی را از درون استحاله کند و به اهدافی که با راه‌اندازی انواع نبردهای سخت، ترور و آشوب‌های خشونت‌بار نرسیده است، با سوارشدن بر گفتمان‌های حاکم بر جامعه و همراه‌سازی درک و شناخت اجتماعی با خود بدان‌ها دست یابد.

گفتمان‌هایی که بر اساس آن اندیشه، فکر و سپس برداشت‌های اجتماعی و در نتیجه اراده اجتماعی با نظم لیبرالی و پایه‌های اعتقادی آن هماهنگ و همراه شود؛ گفتمان‌های دموکراسی، حقوق بشر، اومانیسیم، فمینیسم و توسعه در مجموع مکتبی را می‌سازند که انسان و جامعه انسانی را محصور در حیات مادی و بریده از آخرت و فضایل و کمالات روحی و معنوی تعریف

چیزی فراتر از یک حاکم و زمامدار عادی نیست که امر گزینش او به اختیار امت وانهاده شده است. سخنان بسیاری از عالمان اهل سنت بر این معنا گواهی می‌دهد؛ برای مثال ابن‌خلدون حکومت را در زمره مصالح عامه می‌داند که به نظر امت واگذار شده است.

یکی از موضوعات بسیار مهمی که به دنبال خلافت مطرح می‌شود، عدالت صحابه است؛ به گونه‌ای که اهمیت و حساسیت این بحث برای اهل سنت به مثابه بحث عصمت برای امامیه است. منظور از مفهوم عدالت در اینجا، آن ویژگی است که به فرد اهلیت لازم را می‌بخشد که به نقل حدیث پردازد و روایت او مقبول افتد.

بر این اساس بیشتر عالمان اهل سنت، عدالت جمیع صحابه را ثابت می‌دانند؛ از جمله ابن‌عبدالبرّ می‌گوید: «عدالت تمامی صحابه ثابت است» یا ابن‌اثیر جزری می‌نویسد: «تمامی صحابه عادل هستند و جرح در آنان راه نیابد». در حالی که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام معتقدند صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله هر چند امتیاز و افتخار مصاحبت پیامبر را داشته‌اند و میان آنها شخصیت‌های والامقام پیدا می‌شوند، از نظر عدالت همانند اشخاص دیگر، جمعی عادل و گروهی غیرعادل بودند.

بنابراین با استناد به این تحریف که معیار و مهم‌ترین بنیان‌های دین اسلام سنت صحابه و خلفا و اجماع مسلمین است، امام حسین علیه السلام را باغی و خارجی معرفی کردند و اذهان جامعه واکنشی از خود نشان نداد.

السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ انبیاء

می‌کند و در تقابل و تضاد صریح با اسلام و ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی است.

آن‌ها به ناچار باید به مسیری بیندیشند و به دنبال آن باشند که زندگی دنیایی و پر نعمت و رفاه آنان همچنان تامین شود.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «دشمن امروزه دائم با مزدورپروری، با حرام‌خوارسازی و با لطایف‌الحیل افرادی را حرام‌خوار می‌کند؛ وقتی حرام‌خوار شد مثل حیوان جلال، دیگر خیلی مشکل می‌شود او را از حرام‌خواری دور کرد و مزدورپروری می‌کنند. بعضی‌ها را با تهدید بعضی‌ها را با تطمیع و انواع و اقسام این چیزها، بنابراین جنگ نرم سختی وجود دارد».

۲-۴. ترویج سکولاریزم و تکثرگرایی برای نابودی حقیقت ناب بنی‌امیه به گونه‌ای مرموز دین و سیاست را از هم تفکیک کرد و خوانشی از این جدایی را انتخاب نمود که سیاست و حکومت همه چیز و دین ابزار و وسیله رسیدن آنان به قدرت شد.

معاویه آشکارا اظهار کرد: «لا والله الا دفناً دفناً» و یزید در یاوه‌گویی مستانه‌اش به غرور گفت: «لَعَبْتُ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ». غرب نیز فلسفه حکومتی و قوانین اجتماعی خود را بر سکولاریزم قرار می‌دهد و نسخه آن را با ترویج مدرنیته برای همه بشریت تجویز و تحمیل می‌کند.

۲-۳. تحریف حقایق و مفاهیم یکی از تلاش‌های بنی‌امیه برای بی‌اثر کردن رسالت نبوی، تحریف حقایق ناب اسلامی بود. خداوند می‌فرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرِفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ». یکی از آموزه‌های کلیدی اسلام، نگاه ابزاری به دنیا و امکانات آن برای کمال در جایگاه زمینه‌های مادی تعالی فردی و اجتماعی است؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ».

مفاهیمی چون زهد، انفاق، احسان و فضایل دیگر با نفی تعلق به دنیا و بذل آن برای کسب رضایت الهی معنا پیدا می‌کند که بنی‌امیه با تغییر این معرفت، دنیاطلبی، تجمل‌گرایی و تفاخر به دنیا را رواج دادند و در حکمرانی همچون سلاطین ایران و روم به بنای کاخ‌ها و عمارت‌ها و تجملات و تشریفات سلطنتی روی آوردند. مردم نیز به پیروی از حاکمان و بزرگان اقوام و قبایل و آلوده شدن بسیاری از صحابه پیامبر به زر و سیم و دنیا، دنیاطلبی و میل به حیات مادی آلوده شدند. در انقلاب اسلامی نیز دشمن بیرونی و دنباله آن در داخل که در پی استحاله انقلاب از ارزش‌های اسلامیان بودند، با گسترش روح تجمل‌گرایی و آلوده شدن به ثروت و مکننت به تدریج

السلام علیکم و آله و سلم

پیامدهای کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی به دوران بنی‌امیه محدود نماند و تأثیر آن تا قرن‌ها بعد در تاریخ اسلام باقی ماند. این پدیده‌ها نه تنها به نوعی جوامع اسلامی را شکل داد و هویت‌های متفاوت را پدید آورد، بلکه مبنایی برای بسیاری از بحث‌های فکری و کلامی در جهان اسلام نیز شد.

جهان مدرن نیز به اقتضای مبانی مقبولی چون اومانیسزم، لیبرالیسم و دموکراسی، بستر کثرت‌گرایی شد. کثرت‌گرایی (پلورالیسم) در واقع پذیرش همه عقاید و باورها در کنار هم و نفی برتری هیچ‌کدام از آنهاست و از اینجا ناشی می‌شود که حق مطلق وجود ندارد و هر عقیده و فکری برای خودش درست و حق است و اصولاً نمی‌توان از دریچه فکری دیگری حقانیت یا عدم حقانیت عقیده را مورد قضاوت قرار داد. البته خیلی زود در اوایل قرن بیستم تضادهای بزرگ در جامعه غربی که سرچشمه آن عقاید فلسفی لیبرالیسم، فاشیسم، نازیسم و سوسیالیسم بود، آشکار شد و در نتیجه جنگ‌های خانمان‌سوز جهانی اول و دوم پدید آمد. چاره‌یابی تمدن مادی و تکثرگرایی غرب این بود که معیارهایی از حق را که مقبول همگان بود، به طور قراردادی توسط نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و شورای امنیت و نهادهایی مانند حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری و انواع میثاق‌های بین‌المللی ایجاد کند. جوهر این کثرت‌گرایی، جنگ با ادیان الهی و دعوت پیامبران الهی است. وقتی خدا، پیامبران، وحی الهی

سکولاریزم در غرب در جایگاه نوعی جهان‌بینی و مکتب مطرح است که در آن اساس مرجعیت دین و اعتبار وحی و قوانین الهی در حیات انسانی و اجتماعی انکار می‌شود؛ در حالی که امام حسین علیه السلام فلسفه قیام خود را احیاء و اقامه دین، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه اسلامی می‌داند: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ماکان منا تنافساً فی سلطان ولا التماساً من فضول الحطام و لکن...». امام خمینی رحمته الله علیه نیز انقلاب اسلامی را در ادامه همان مسیر می‌داند و مقصد انقلاب را همان مقصد انبیای الهی و مکتب اسلام، نظم عادلانه اجتماعی، اقامه احکام و شریعت، تربیت و تهذیب انسان‌ها تبیین می‌کند. جهان اسلام در دوران بنی‌امیه، شاهد تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی بود. کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی که در این دوران شکل گرفت، از جمله تحولاتی است که تأثیرهای عمیق و درازمدتی بر جامعه اسلامی گذاشت. مفهوم کثرت‌گرایی در این دوران به معنای پذیرش و حضور اندیشه‌ها و باورهای متفاوت مذهبی و فرهنگی در جامعه اسلامی بود.

حکومت بنی‌امیه با اتخاذ سیاست‌های خود به عمد یا غیرعمد، بستر ساز کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی بود؛ از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تبعیض نژادی و قومی، مخالفت با روحانیت شیعه و ترویج ایدئولوژی اموی اشاره کرد؛ از این رو فرقه‌هایی مانند معتزله و خوارج در این دوران با توجه به فضای سیاسی و مذهبی موجود پرورش یافتند.

السلام علیکم و آله و آحبابکم

۸. شریعتی، مهدی، بررسی مصادر و منابع فقه فریقین، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.

۱۰. العاملی، جعفر مرتضی، تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام، مترجم: محمد سپهری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۱۱. علیخانی، علی، امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده اطلاعات، ۱۳۹۳ ش.

۱۲. فخلعی، محمد تقی، مجموعه گفت‌وگوهای مذاهب اسلامی (دفتر اول)، گفت‌وگو خلافت، تهران: مشعر، ۱۳۸۳ ش.

۱۳. ماه‌پیشانی، مهسا، جنگ نرم در فضای رسانه و سایبر، تهران: نشر اولیا، ۱۳۸۹ ش.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، دایرة المعارف فقه مقارن - چگونگی حجیت تقریر معصوم علیه السلام، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵ ش.

۱۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله، حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمین علیه السلام، ۱۳۸۱ ش.

۱۶. —، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.

۱۷. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران: سروش، ۱۳۷۹ ش.

سایت‌ها

۱. <https://www.linkedin.com/pulse/cognitive-warfare-democracy-critical-analysis-ethical-holitschke-dleue>
۲. <https://farsi.iranpress.com>
۳. Farsi.ckamenei.ir ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

و ائمه از صحنه اداره نظم جهان حذف شدند، فرقی ندارد که بنی‌امیه باشند یا نظم جهانی مادی و مدرن و هر کدام به هر حال به کثرت‌گرایی می‌رسند و نتیجه آن تنازع همیشگی بین مکاتب و فرقه‌ها و در نتیجه جوامع بشری و نیز دور شدن بشر از حقیقت ناب و هدایت الهی است که باید توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام تحقق یابد.

به قلم: حجج اسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی و علی نصرتی - ره توشه محرم شماره هجدهم

کتاب‌نامه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، محقق / مصحح: محمد أبو الفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن حجر العسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، مکه: دار الباز، ۲۰۰۷ م.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، المقدمة، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، لبنان: دار الجیل، ۱۹۹۲ م.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: بصیرتی، ۱۳۹۴ ق.
۷. حیدر، اسد، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹ ش.

يا ما لا اله الا الله
يا محمد يا عبد الله
يا علي بن ابي طالب
يا علي بن الحسين
يا علي بن موسى
يا علي بن جعفر
يا علي بن محمد
يا علي بن بابويه
يا علي بن احمد
يا علي بن محمد
يا علي بن احمد
يا علي بن محمد
يا علي بن احمد

السلام عليك يا رقية الشهيد